

حضرت علي (ع) در قرآن

<?xml encoding="UTF-8">

مقدمه

در مختصر تاریخ دمشق از ابن عباس نقل می‌کند: "ما نزل القرآن "یا ایها الذین آمنوا" الا علی سیدها و شریفها و امیرها و ما احد من اصحاب رسول الله الا قد عاتبه الله في القرآن ما خلا علی بن ابی طالب فانه لم يعاتبه بشيء... ما نزل في احد من كتاب الله ما نزل في علي... نزلت في علي ثلاثمائة آية." در قرآن مجید، خطاب "یا ایها الذین آمنوا" در هیچ آیه‌ای نازل نشده، مگر اینکه علی (علیه السلام) سید و شریف و امیر (و مصداق اتم و اکمل) آن است. و احادی از اصحاب رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) نبود، مگر اینکه خداوند در قرآن به او عتاب کرده، جز علی بن ابی طالب که خدا هرگز در چیزی به او عتاب نکرد... در کتاب خدا (قرآن مجید) آنچه درباره علی نازل شده (از فضایل و مدایح) درباره هیچ‌کس نازل نشده است... سی صد آیه قرآن مجید، درباره علی نازل شده است.¹

امام علی بن ابی طالب (علیه السلام) که در این مجموعه به دنبال شناخت او از منظر قرآنیم، خود از قرآن چنین یاد می‌کند:

"ان الله تعالی انزل کتابا هادیا، بین فيه الخير والشر فخذوا نهج الخير تهتدوا و اصدفوا عن سمت الشر تقصدوا؛² همانا خداوند متعال کتابی هدایت‌گر فرو فرستاده که مرزهای خیر و شر به روشنی در آن بیان شده است، پس سمت و راه خیر را پیش بگیرید تا هدایت‌یابید و از سمت شر روی برتابید تا در خط مستقیم و تعادل قرار یابید.³ و نیز می‌فرماید:

"واعلموا ان هذا القرآن هو الناصح الذي لا يغش والهادي الذي لا يضل و المحدث الذي لا يكذب...؛⁴ و بدانید که شما چراغی چونان قرآن فرا راه دارید که تنها ناصحی است که نصیحت‌خویش را به خیانت نمی‌آلاید و تنها هدایت‌گری است که هرگز به گمراهی نمی‌کشانند و تنها سخنگویی است که هیچگاه سخن به دروغ نمی‌گوید.⁵

این بیان بلند از امیر توانای بیان، امام علی بن ابیطالب (علیه السلام) در وصف قرآن است.

تبیین "ثقل اکبر" توسط "ثقل اصغر" و معرفی "ثقل اصغر" به وسیله "ثقل اکبر" را می‌توان مصداقی از وصیت پیامبر بزرگ اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) در جدا نشدن این دو امانت بزرگ و جاودان از همدیگر دانست؛ از آنجا که این دو میراث ارزشمند رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) در کلام او در کنار همدیگر قرار گرفتند و آن دو با هم میزان هدایت قلمداد شدند و پیامبر از آن دو به "ثقلین" تعبیر فرمود، پس می‌توان وصف یکی را در حق دیگری به کار برد. پس هنگامی که درباره قرآن - ثقل اکبر - در قرآن می‌خوانیم: "لا یمسه الا المطهرون"⁶ بجز پاکیزگان کسی حق نزدیک شدن و شناخت قرآن را ندارد، می‌توان به کارگیری این وصف را در حق اهل بیت (یا ثقل اصغر) شایسته دانست و گفت که جز پاکیزگان کسی حق و توان شناخت آنها را ندارد!

حال که راهی برای شناخت آن بزرگواران جز قرآن وجود ندارد، برای شناخت آنان دست به آستان بلند قرآن دراز کرده و برای شناخت اولین آنان امام علی بن ابیطالب (علیه السلام)، از آن کتاب بزرگ آسمانی مدد می‌جوییم.

اگرچه به دلایل خاصی نام علی (علیه السلام) به صراحت در قرآن نیامده است،⁷ ولی به اقرار و اعتراف برخی از بزرگان اهل سنت، آیات بسیاری در منزلت، شأن و جایگاه رفیع علی (علیه السلام) یا اهل بیت (علیهم السلام) نازل شده است و جای هیچ تردیدی نیست که این آیات درباره دیگران نازل نشده است. در این آیات به حوادث و

رخدادهايي اشاره شده است که کسی جز علي(عليه السلام) يا اهل بيت(عليهم السلام) مصداق ديگري ندارند، اگرچه نبايد از اين نکته غفلت نمود که ممکن است در برخي موارد، معنای آیه معنایی عام باشد و ظاهر آیه، ديگران را نیز شامل شود، ولي به هر صورت، مصداق اکمل و اتم آن اهل بيت(عليهم السلام) يا شخص علي بن ابيطالب(عليه السلام) است. پيش از اين گفته شد که به نقل ابن عباس، سي صد آیه از قرآن درباره علي(عليه السلام) و مدح او نازل شده است؛ ما در اين مجموعه فقط به حدود سي آیه اشاره کرده‌ايم و بنا بر اين بوده که آیات روشنتر را گزينش نموده و به شان نزول آنها اشاره کنيم.

اتفاقا بخش عظيمي از شان نزول‌ها را نیز با توجه به منابع معتبر اهل سنت بيان کرده‌ايم، زیرا بر اين باوريم که: خوشتر آن باشد که سر دلبران

گفته آيد در حديث ديگران

1 - آیه تبليغ

"يا ايها الرسول بلغ ما انزل اليک من ربک و ان لم تفعل فما بلغت رسالته واللّٰه يعصمک من الناس ان اللّٰه لايهدي القوم الکافرين؛ اي پيامبر، آنچه را از جانب پروردگارت بر تو نازل شده ابلاغ کن که اگر نکنی پيامش را نرسانده‌اي و خدا تو را از [گزند] مردم نگاه می‌دارد؛ آری، خدا گروه کافران را هدايت نمی‌کند."8 به تصريح همه علمای شيعه در کتابهاي تفسير و حديث و تاريخ، و نیز بسياري از علمای اهل سنت،9 اين آیه در شان علي بن ابيطالب(عليه السلام) نازل شده است.

شان نزول

اين آیه مربوط به داستان غدیر است؛ علامه اميني(ره) در "الغدیر"، حديث غدیر را از 110 نفر از صحابه و ياران پيامبر(صلی الله عليه وآله و سلم) با اسناد و مدارک معتبر نقل می‌کند که شان نزول آن بطور مختصر به اين شرح است:

در آخرين سال عمر پيامبر(صلی الله عليه وآله و سلم)، مراسم حجةالوداع باشکوه هرچه تمامتر در حضور پيامبر(صلی الله عليه وآله و سلم) به پايان رسيد، نزديکيهای ظهر و در میان بيابان‌هاي خشک و سوزان، "غدیر خم" از دور نمايان شد.

آن روز درست هشت روز از عيد قربان می‌گذشت. ناگهان دستور توقف از طرف پيامبر(صلی الله عليه وآله و سلم) به همراهان داده شد. آنانی که پيشاپيش حرکت می‌کردند به عقب فراخوانده شدند و منتظر رسيدن کسانی شدند که از کاروان عقب افتاده بودند.

مردم نماز را با رسول خدا(صلی الله عليه وآله و سلم) اقامه کردند. در آن گرمای سوزان، سايبانی برای پيامبر(صلی الله عليه وآله و سلم) درست کردند و پيامبر(صلی الله عليه وآله و سلم) به آنها اطلاع داد که همه بايد برای شنيدن یک پيام تازه الهي خود را آماده کنند. چون مردمانی که در نقاط دورتر بودند، چهره مبارک رسول خدا(صلی الله عليه وآله و سلم) را نمی‌ديدند، برای پيامبر(صلی الله عليه وآله و سلم) منبري از جهاز شتران ترتيب داده شد و پيامبر بر فراز آن قرار گرفت.

پيامبر(صلی الله عليه وآله و سلم) پس از حمد و سپاس پروردگار، مردم را مخاطب ساخت و چنين فرمود: "من به همين زودي دعوت خدا را اجابت کرده و از میان شما می‌روم، من مسئولم و شما هم مسئوليد! شما درباره من چگونه شهادت می‌دهيد؟ مردم صدا بلند کردند و گفتند: "نشهد انک قد بلغت و نصحت و حمدت فجزاک الله؛ ما گواهي می‌دهيم که تو وظیفه رسالت را به انجام رسانيدي و شرط خيرخواهي را به جا آوردی و آخرين تلاش و

کوشش خود را در راه هدایت ما نمودی! خداوند تو را جزای خیر دهد!"

سپس پیامبر(صلی الله علیه وآله و سلم) از آنان اقرار به یگانگی خدا و رسالت خویش و حقانیت رستاخیز و

برانگیخته شدن مردگان گرفت و فرمود: خداوند! گواه باش! و خطاب به آنان فرمود:

"اکنون بنگرید با این دو چیز گرانمایه و گرانبه که در میان شما به یادگار می‌گذارم چه خواهید کرد: اول ثقل اکبر،

کتاب خدا و دومین آنها خاندان من؟! خداوند لطیف به من خبر داده که این دو هرگز از هم جدا نمی‌شوند تا در

بهشت به من پیوندند. از این دو پیشی نگیرید که هلاک می‌شوید و عقب نیفتید که باز هلاک خواهید شد!

ناگهان مردم دیدند که پیامبر(صلی الله علیه وآله و سلم) با نگاه کردن به اطراف گویی در جستجوی کسی است؛

همین که چشمش به علی(علیه السلام) افتاد، خم شد و دست او را گرفت و بلند کرد؛ آن چنان که سفیدی زیر

بغل هر دو نمایان شد و همه مردم ایشان را دیدند. در اینجا پیامبر(صلی الله علیه وآله و سلم) فرمود: "ایها

الناس من اولي الناس بالمؤمنين من انفسهم؛ چه کسی از همه مردم نسبت به مؤمنین از خود آنها سزاوارتر

است؟" گفتند: خدا و پیامبر(صلی الله علیه وآله و سلم) داناترند! پیامبر(صلی الله علیه وآله و سلم) فرمودند:

خدا، مولا و رهبر من است و من مولا و رهبر مؤمنانم و نسبت به آنها از خودشان سزاوارترم! سپس فرمود: "فمن

كنت مولاه فعلي مولا" و سر به آسمان بلند کرد و عرض کرد: "اللهم وال من والاه و عاد من عاداه و احب من

احبه و ابغض من ابغضه وانصر من نصره واخذل من خذله و ادر الحق معه حيث دار؛ خداوند، دوستان او را

دوست‌بدار و دشمنان او را دشمن‌بدار! محبوب‌بدار آن کسی که او را محبوب دارد و دشمن‌بدار آن کس که او را

دشمن دارد. یارانش را یاری کن و آنها را که ترک یاری‌اش کنند، از یاری خویش محروم ساز و حق را هر جا که

اوست قرار بده!"

و در پایان تاکید فرمودند که حاضران به کسانی که حضور نداشتند این مطلب را برسانند. پس از این، مردم (از

جمله ابوبکر و عمر) خطاب به امیرالمؤمنین(علیه السلام) می‌گفتند: آفرین بر تو باد! آفرین بر تو بادای فرزند

ابوطالب! تو مولا و رهبر من و تمام مردان و زنان با ایمان شدی. 10

2 - آیه ولایت

"انما وليكم الله و رسوله والذين امنوا الذين يقيمون الصلاة و يؤتون الزكاة و هم راعون؛ ولی شما، تنها خدا و

پیامبر اوست و کسانی که ایمان آورده‌اند؛ همان کسانی که نماز برپا می‌دارند و در حال رکوع زکات می‌دهند." 11

در کتاب شریف "الغدیر" علامه امینی (ره) نام بخشی از بزرگان اهل سنت را که شان نزول این آیه را درباره علی بن

ابی‌طالب(علیه السلام) دانسته‌اند ذکر کرده است. 12 و همه علمای شیعه، شان نزول این آیه را درباره علی بن

ابی‌طالب(علیه السلام) می‌دانند.

شان نزول

سیوطی در "الدر المنثور" در ذیل این آیه از ابن عباس نقل می‌کند که علی در رکوع نماز بود که سائلی تقاضای

کمک کرد و آن حضرت انگشترش را به او صدقه داد. پیامبر(صلی الله علیه وآله و سلم) از او پرسید: چه کسی این

انگشتر را به تو صدقه داد؟ اشاره به علی(علیه السلام) کرد و گفت: آن مرد که در حال رکوع است! در این هنگام

آیه "انما وليكم الله و رسوله..." نازل شد. 13

3 - آیه اولی الامر

"يا ايها الذين امنوا اطيعوا الله و اطيعوا الرسول و اولي الامر منكم؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اطاعت کنید خدا

را و اطاعت کنید پیامبر خدا و اولو الامر (اوصیای پیامبر) را.

شأن نزول

مفسر معروف "حاکم حسانی حنفی نیشابوری"، ذیل این آیه، پنج حدیث نقل کرده است که در همه آنها عنوان "اولی الامر" بر علی (علیه السلام) تطبیق شده است. در نخستین حدیث، از خود آن حضرت نقل می‌کند که وقتی پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: شرکای من کسانی هستند که خداوند آنها را قرین خود و من ساخته و درباره آنها آیه "یا ایها الذین امنوا اطیعوا الله" را نازل کرده است، از آن حضرت پرسیدم: "یا نبی الله من هم؛ ای پیامبر خدا، اولی الامر کیانند؟" قال: انت اولهم؛ فرمود: تو نخستین آنها هستی. 14

در بعضی از روایات اهل سنت، نام ائمه دوازده‌گانه اهل بیت (علیهم السلام) یک به یک آمده است. 15

4 - آیه صادقین

"یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله و کونوا مع الصادقین؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید و با صادقان باشید." 16

شأن نزول

مفسر معروف، سیوطی در "درالمنثور" از ابن عباس نقل می‌کند که در تفسیر آیه "اتقوا الله و کونوا مع الصادقین" گفت: "مع علی بن ابی طالب؛ با علی بن ابی طالب باشید." 17

در بیان شأن نزول این آیه احادیث دیگری هست که در کتب هر دو مکتب (اهل بیت و اهل سنت) آمده است. 18 نکته حایز اهمیت در اینجا این است که دستور خداوند به اینکه مؤمنان همواره باید با صادقان باشند، دستوری است مطلق و بدون هیچ گونه قید و شرطی، این معنا جز در مورد معصومین (علیهم السلام) امکان‌پذیر نیست؛ زیرا غیرمعصوم ممکن است خطا کند و در آن حال باید از او جدا شد. کسی که در همه حال می‌توان در کنار او و پیرو او بود، جز انسان معصوم کسی نخواهد بود. بنابراین منظور از صادقین در این آیه، هر فرد راستگویی نیست، بلکه صادقانی است که سخن خلاف - نه عمدا و نه از روی سهو - در گفتار آنها راه ندارد.

با الهام از این آیه و تفسیر آن به همراهی با علی و فرزندان معصوم او، "دکتر محمد تیجانی" نام یکی از کتابهای خود را "لاکون مع الصادقین" هدفم این است که با صادقان باشم! گذارده که تاثیر عجیبی در بسیاری از مسلمین کرده است.

5 - آیه قربی

"قل لا اسئلكم علیه اجرا الا المودة فی القربی؛ بگو: من هیچ پاداشی از شما برای رسالتم درخواست نمی‌کنم، جز دوست داشتن نزدیکانم (اهل بیت)." 19

در ذیل این آیه، روایات فراوانی، در منابع اهل سنت و شیعه نقل شده است که در تفسیر و تبیین مفهوم آیه شریفه می‌توان از آنها کمک گرفت.

شأن نزول

"حاکم حسانی" که از دانشمندان معروف قرن پنجم هجری است، در شواهد التنزیل از "سعید بن جبیر" از ابن عباس چنین نقل می‌کند:

"لما نزلت قل لا اسئلكم علیه اجرا الا المودة فی القربی قالوا یا رسول الله من هؤلاء الذین امرنا الله بمودتهم! قال:

علی و فاطمة و ولدهما؛ هنگامی که این آیه نازل شد اصحاب عرض کردند: ای رسول خدا، اینها کیستند که خداوند ما را به محبت آنها امر کرده است؟ فرمود: علی و فاطمه و فرزندان آن دو می‌باشند. 20

نکته:

قرآن در سوره شعرا به نقل از پنج نفر از پیامبران الهی (نوح، هود، صالح، لوط و شعیب) می‌فرماید: "و ما اسئلكم عليه من اجر ان اجري الا علي رب العالمين" و از سوی دیگر در مورد شخص پیامبر می‌فرماید: من از شما پاداشی تقاضا نمی‌کنم، مگر دوستی خویشاوندانم را!

از طرفی، در آیه 57 سوره فرقان باز در مورد پیامبر می‌خوانیم: "قل ما اسئلكم عليه من اجر الا من شاء ان يتخذ الي ربه سبيلا؛ بگو من در برابر ابلاغ رسالت هیچ گونه پاداشی از شما مطالبه نمی‌کنم، مگر کسانی که بخواهند راهی به سوی پروردگارشان برگزینند." و باز در سوره سباء آیه 47 در مورد پیامبر اسلام آمده است: "قل ما سئلتكم من اجر فهو لكم ان اجري الا علي الله."

سؤال این است که جمع کردن این آیات چهارگانه چگونه ممکن است؟

آیا بین آیات مربوط به پیامبر اسلام و آیه مربوط به پیامبران پنجگانه تعارض و تناقض وجود دارد یا نه؟ در جواب باید گفت: از ضمیمه کردن این آیات به یکدیگر، به خوبی می‌توان نتیجه گرفت که پیامبر اسلام نیز مانند سایر پیامبران الهی، اجر و پاداشی برای شخص خود از مردم نخواست است؛ بلکه مودت ذوی القربای او راهی به سوی خداست و چیزی است صد در صد به نفع مردم؛ چرا که این مودت، دریچه‌ای به سوی مساله امامت و خلافت و جانشینی پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) است. و در حقیقت ادامه خط رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) در امت و هدایت مردم در پرتو آن محسوب می‌گردد.

6 - آیه تطهیر

"انما يريد الله ليذهب عنكم الرجس اهل البيت و يطهرکم تطهیرا؛ خداوند می‌خواهد هرگونه پلیدی و گناه را از شما اهل بیت دور کند و کاملاً شما را پاک سازد." 21

آیه تطهیر چون ستاره‌ای بر تارک آیات فضایل اهل بیت می‌درخشد. و مطالب بلند و نکته‌های پر از فائده‌ای در آن هست که توجه هر اندیشمند عمیقی را به سوی خود جلب می‌نماید و در اینجا به ذکر قطره‌ای از آنها اکتفا می‌کنیم.

شأن نزول

علامه طباطبایی (ره) در المیزان می‌فرماید: بیش از هفتاد روایت دلالت دارند بر اینکه این آیه مربوط به پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و علی (علیه السلام) و فاطمه (سلام الله علیها) و امام حسن (علیه السلام) و امام حسین (علیه السلام) است و غیر اینها را شامل نمی‌شود؛ این روایات از طریق اهل سنت (به طریق مختلف) و امامیه (به طرق گوناگون) نقل شده‌اند و آنچه از طرق اهل سنت در این زمینه نقل شده، بیش از آن است که از طریق شیعه وارد شده است! 22

"دکتر تیجانی" در کتاب "فستلوا اهل الذکر"، سی منبع از منابع معتبر اهل سنت (از تفسیر و حدیث و تاریخ) را ذکر می‌کند که نزول آیه تطهیر را درباره اهل بیت پیامبر، یعنی شخص پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم)، علی بن ابی‌طالب (علیه السلام)، فاطمه زهرا (س)، امام حسن (علیه السلام) و امام حسین (علیه السلام) می‌دانند، و در پایان اضافه می‌کند که علمای اهل سنت که این آیه را درباره اهل بیت پیامبر می‌دانند زیاده و ما به همین مقدار اکتفا می‌کنیم. 23

آلوسی، عالم سنی متعصبی که هر جا آیه‌ای را در شان و فضایل علی و اهل بیت (علیهم السلام) دیده به لطایف الحیلی آن را کمرنگ کرده است، در این باره می‌گوید:

"اینکه مراد از اهل بیت در این آیه کسانی بودند که پیامبر آنها را زیر کساء قرار داد و درباره آنها فرمود: "اللهم

هؤلاء اهل بيتي فاجعل صلواتك و برکاتک علي آل محمد كما جعلتها علي آل ابراهيم انک حميد مجيد؛ بار خدايا! اينان اهل بيت منند، پس درودها و برکات را همانگونه که بر خاندان ابراهيم نازل فرمودي، بر خاندان محمد هم نازل فرما که تو خداوند ستوده و بلند مرتبه هستي، خارج از حد شمارش است. 24

رواياتي که در اين باره در کتب حديث و تفسير نقل شده‌اند، به چهار دسته تقسيم مي‌شوند:

1 - رواياتي که برخي از همسران پيامبر نقل کرده‌اند و مفاد آن اين است که پيامبر آنان را از شمول آيه تطهير خارج کرده است. 25

2 - رواياتي که مربوط به حديث کساء است. 26

3 - رواياتي که مي‌گويند پيامبر تا مدتي (شش ماه يا بيشتر) پس از نزول آيه تطهير، به در خانه علي و فاطمه و فرزندان او مي‌رفت و مي‌فرمود: "الصلوة! يا اهل البيت! انما يريد الله ليذهب عنكم الرجس اهل البيت و يطهرکم تطهيرا؛ هنگام نماز است اي اهل بيت! خداوند تنها مي‌خواهد پليدي را از شما اهل بيت دور سازد و شما را پاک کند! 27

4 - رواياتي که از ابوسعيد خدری رسیده است که مي‌گويد، اين آيه درباره رسول خدا و علي و فاطمه و حسن و حسين (عليهم السلام) نازل شده است: "نزلت في خمسة: في رسول الله و علي و فاطمة والحسن والحسين (عليهم السلام)". 28

در اینجا با ذکر یک جمله از عايشه - به نقل از ثعلبي در تفسيرش - سخن را به پايان مي‌بريم:

ثعلبي مي‌گويد: هنگامی که از عايشه درباره جنگ جمل و دخالتش در آن جنگ ويرانگر سؤال کردند، (با تاسف) گفت: اين یک تقدير الهي بود! و هنگامی که درباره علي (عليه السلام) سؤال کردند، چنين گفت:

"تسالني عن احب الناس كان الي رسول الله و زوج احب الناس كان الي رسول الله، لقد رايت عليا و فاطمة و حسنا و حسينا و جمع رسول الله بثوب عليهم. ثم قال: اللهم هؤلاء اهل بيتي و حامتي فاذهب عنهم الرجس و طهرهم تطهيرا. قالت: فقلت: يا رسول الله انا من اهلك؟ فقال: تنحي فانك الي خير؛ آيا از من درباره کسی سؤال مي‌کني که محبوبترين مردم نزد پيامبر (صلي الله عليه وآله و سلم) بود و از کسی مي‌پرسی که همسر محبوبترين مردم نزد رسول خدا (صلي الله عليه وآله و سلم) بود. من با چشم خود ديدم علي و فاطمه و حسن و حسين (عليهم السلام) را که پيامبر (صلي الله عليه وآله و سلم) آنها را در زير پارچه‌اي جمع کرده بود و فرمود: خداوند! اينها خاندان منند و حاميان من، رجس و پليدي را از آنها ببر و از آلودگيها پاکشان فرما! من گفتم: اي رسول خدا آيا من نيز از آنها هستم؟ فرمود: دور باش! تو بر خير و نيکي هستي (اما جزء اين جمع نمي‌باشي). 29

7 - آيه مباحله

"فمن حاجک فيه من بعد ما جائک من العلم فقل تعالوا ندع ابنائنا و ابنائکم و نسائنا و نسائکم و انفسنا و انفسکم ثم نبتهل فنجعل لعنة الله علي الکاذبين؛ هرگاه بعد از علم و دانشي که (درباره مسيح) به تو رسیده، (باز) کساني با تو به محاجه و ستيز برخيزند، به آنها بگو: "بياييد ما فرزندان خود را دعوت کنيم، شما هم فرزندان خود را؛ ما زنان خويش را دعوت نماييم، شما هم زنان خود را؛ ما از نفوس خود دعوت کنيم، شما هم از نفوس خود، آنگاه مباحله کنيم و لعنت خدا را بر دروغگويان قرار دهيم. 30

"ابتهال" در لغت به معنای واگذاري فرد يا حيوان به خودش است و در اصطلاح به معنای نفرين کردن؛ مباحله به معنای نفرين کردن دو نفر بر همدیگر است، به اين ترتيب که وقتي استدلالات منطقي سودي نبخشيد، افرادي که با هم درباره یک مساله مهم ديني گفتگو دارند، در یکجا جمع مي‌شوند و به درگاه خدا تضرع مي‌کنند و از او

می‌خواهند که دروغگو را رسوا سازد و مجازات کند. 31

شأن نزول

در روایات اسلامی که مفسران و محدثان نقل کرده‌اند آمده است: "هنگامی که آیه مورد بحث نازل شد، پیامبر به مسیحیان نجران پیشنهاد مباحله داد. بزرگان مسیحی از پیامبر یک روز مهلت خواستند تا در این باره به شور بنشینند. اسقف به آنها گفت: نگاه کنید! اگر فردا محمد(صلی الله علیه وآله و سلم) با فرزند و خانواده‌اش برای مباحله آمد، از مباحله با او بپرهیزید و اگر اصحاب و یارانش را همراه آورد، با او مباحله کنید که او پایه و اساسی ندارد!

فردا که شد پیامبر آمد در حالی که دست علی(علیه السلام) را گرفته و حسن و حسین پیش روی او حرکت می‌کردند و فاطمه پشت سر او بود، مسیحیان و در پیشاپیش آنها اسقف اعظم آنان نیز بیرون آمدند. هنگامی که او پیامبر را با همراهانش مشاهده کرد، پرسید: اینها کیانند؟ گفتند: این یکی پسر عمو و داماد او و این دو دختر زاده‌های او و این بانو دختر اوست که از همه نزد او گرمی‌تر است. اسقف نگاهی کرد و گفت: من مردی را می‌بینم که مصمم و با جرات در مباحله است و می‌ترسم او راستگو باشد و اگر راستگو باشد، بلاي عظیمی بر ما وارد خواهد شد. سپس گفت: ای ابوالقاسم، ما با تو مباحله نخواهیم کرد! بیا با هم صلح کنیم و در بعضی روایات آمده است که اسقف اعظم گفت: من صورتهایی را می‌نگرم که اگر از خدا بخواهند کوه را از جا برکنند چنین خواهد شد؛ پس مباحله نکنید که هلاک خواهید شد! 32

در صحیح مسلم چنین آمده است: معاویه از سعد بن ابی وقاص سؤال کرد: چرا تو لعن و سب علی بن ابیطالب نمی‌کنی؟ در جواب گفت: به خاطر سه امر: حدیث منزلت در جنگ تبوک، داستان پرچم در جنگ خیبر و داستان مباحله؛ وقتی که آیه "قل تعالوا ندع ابنائنا و ابنائکم" نازل شد، پیامبر(صلی الله علیه وآله و سلم) علی، فاطمه، حسن و حسین(علیهم السلام) را فراخواند و گفت: بارخدا، اینها اهل منند (اهل بیت من هستند). 33

8 - آیه خیر البریه

"ان الذین آمنوا و عملوا الصالحات اولئک هم خیر البریه * جزائهم عند ربهم جنات عدن تجري من تحتها الانهار خالدین فیها ابدًا رضي الله عنهم و رضوا عنه ذلک لمن خشي ربه؛ کسانی که ایمان آوردند و اعمال نیک انجام دادند، بهترین مخلوقات خداوند، پاداش آنها نزد پروردگارش باغهای بهشت جاویدان است که نهرها از زیر درختانش جاری است همیشه در آن می‌مانند. (هم) خدا از آنها خشنود است و (هم) آنها از خدا خشنودند و این (مقام والا) برای کسی است که از پروردگارش بترسد." 34

در این آیه درست است که آیه، مفهوم وسیع و گسترده‌ای دارد و منحصر به شخص یا اشخاص معینی نمی‌باشد، ولی در روایات متعدد اسلامی که در منابع حدیث اهل سنت و شیعه آمده است، انگشت بر روی مصادیق و اشخاصی گذارده شده که در صف اول از صفوف "خیر البریه" و در صدر بهترین مخلوقات خدا قرار دارند.

شأن نزول

سیوطی از مفسرین معروف اهل سنت در "الدر المنثور" و حاکم حسانی عالم بزرگ حنفی در کتاب معروف و معتبر "شواهد التنزیل" احادیثی نقل کرده‌اند که مصداق بارز و اتم "خیر البریه" را علی بن ابی طالب دانسته‌اند: الف) سیوطی از ابن عساکر از جابر بن عبد الله نقل می‌کند که ما خدمت پیامبر بودیم که علی(علیه السلام) به سوی ما آمد. هنگامی که چشم پیامبر(صلی الله علیه وآله و سلم) به او افتاد فرمود: "والذي نفسي بيده ان هذا و شيعته لهم الفائزون يوم القيامة" و جابر می‌افزاید: "نزلت ان الذين آمنوا و عملوا الصالحات اولئک هم خير

البرية. فكان اصحاب النبي(صَلَّى الله عليه وآله و سَلَّمَ) اذا اقبل علي(عليه السَّلام) قالوا جاء خير البرية؛ پیامبر فرمود: قسم به کسی که جان من به دست اوست، این مرد و شیعیان او رستگاران روز قیامتند؛ جابر می‌افزاید: در این هنگام آیه "ان الذين آمنوا و عملوا الصالحات اولئك هم خير البرية" نازل شد. از این رو اصحاب پیامبر(صَلَّى الله عليه وآله و سَلَّمَ) هنگامی که علي(عليه السَّلام) می‌آمد می‌گفتند: خیر البریه آمد. 35

ب) حاکم حسکانی علاوه بر حدیث فوق، حدیث دیگری را به نقل از ابن عباس نقل می‌کند؛ ابن عباس می‌گوید: هنگامی که آیه "ان الذين آمنوا و عملوا الصالحات اولئك هم خير البرية" نازل شد، پیامبر اکرم(صَلَّى الله عليه وآله و سَلَّمَ) به علي(عليه السَّلام) فرمود: "هو انت و شيعتك، تاتي انت و شيعتك يوم القيامة راضين مرضيين و ياتي عدوك غضبانا مقمحين؛ تو و شیعیانت در روز قیامت خیر البریه هستید؛ هم خدا از شما راضی است و هم شما از خدا راضی هستید؛ ولی دشمن تو خشمگین و در زحمت (و عذاب) است. 36"

نکته:

نامگذاری پیروان علي به "شیعه" امری است که در زمان پیامبر اکرم(صَلَّى الله عليه وآله و سَلَّمَ) اتفاق افتاده و این نامگذاری اولین بار توسط شخص پیامبر اسلام(صَلَّى الله عليه وآله و سَلَّمَ) صورت گرفته است و ریشه در کلام پیامبر دارد و شکل‌گیری گروهی به نام "شیعیان علي(عليه السَّلام)" بی‌شک پس از این اشاره و کلمه نغز رسول خدا روی داده است. لذا تلاش کسانی که سعی در تراشیدن و خلق و جعل بنیانگذارانی برای شیعه هستند، خواب و خیالی بیش نیست و البته، دشمنی با این عنوان و شر پنداشتن آن، دشمنی و عناد و شر دانستن پیامبر و نامگذاری اوست! با توجه به اینکه پیامبر اسلام(صَلَّى الله عليه وآله و سَلَّمَ) در قرآن توسط خداوند توصیف به "و ما ينطق عن الهوي ان هو الا وحي يوحى" شده است و به قول مولوی:

زانک ما ينطق رسول بالهوي

کي هوا زايد ز معصوم خدا 37

بی‌شک نامگذاری پیروان علي(عليه السَّلام) به "شیعه" امری است که از جانب خداوند صورت گرفته است و صرفاً خواسته شخصی پیامبر نیست.

9 - آیه لילה المبيت

"و من الناس من يشري نفسه ابتغاء مرضات الله والله رؤف بالعباد؛ بعضی از مردم جان خود را به خاطر خشنودی خدا می‌فروشند و خداوند نسبت به بندگان مهربان است. 38"

در شان نزول این آیه، روایات زیادی در منابع معروف اسلامی آمده است؛ از جمله ثعلبی در تفسیرش و حاکم حسکانی در شواهد التنزیل از دو طریق (ابو سعید خدری و ابن عباس) حدیثی را نقل می‌کنند که ما کلام ثعلبی را به خاطر کامل بودن آن نقل می‌کنیم. 39

شأن نزول

ثعلبی می‌گوید: پیامبر اکرم(صَلَّى الله عليه وآله و سَلَّمَ) هنگامی که تصمیم به هجرت به سوی مدینه گرفت، علي بن ابی‌طالب(عليه السَّلام) را در مکه برای ادای دیون و امانتهای مردم که نزد او بود گذارد و آن شب که به سوی غار حرکت می‌کرد، در حالی که مشرکین اطراف خانه او را گرفته بودند، دستور داد علي(عليه السَّلام) در بستر او بخوابد و به او فرمود: پارچه سبز رنگی که من دارم (و به هنگام خواب روی خود می‌کشم)، به روی خود بینداز و در بستر من بخواب! ان شاء الله هیچ مکروهی به تو نمی‌رسد!

علي(عليه السَّلام) این کار را انجام داد؛ در این موقع خداوند به جبرئیل و میکائیل وحي فرستاد که من در میان

شما پیمان برادری ایجاد کردم و عمر یکی را طولانی‌تر از دیگری قرار دادم. کدام یک از شما زندگی دیگری را بر خود مقدم می‌شمیرید؟ هر یک از آن دو، حیات خویش را برگزیدند. در این هنگام خداوند به آنها وحی فرستاد: چرا شما همانند علی بن ابی طالب (علیه السلام) نبودید؟ من میان او و محمد برادری برقرار ساختم و او در بستر پیامبر خوابید و جان او را بر جان خویش مقدم شمرد! به زمین فرود آید و او را از دشمنان حفظ کنید. آنها فرود آمدند، جبرئیل بالای سرش و میکائیل پایین پایش بود و جبرئیل صدا می‌زد: آفرین، آفرین! چه کسی همانند تو است ای علی؟! خداوند به تو نزد فرشتگان مباحثات کرد.

در این هنگام که پیامبر (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) به سوی مدینه در حرکت بود، این آیه در شان علی (علیه السلام) نازل شد: "و من الناس من يشري..." 40

ابن ابی الحدید در شرح نهج البلاغه از ابوجعفر اسکافی نقل می‌کند: "حدیث الفراش قد ثبت بالتواتر فلا یجحدہ الا مجنون او... و قد روی المفسرون کلهم، ان قول الله تعالی: و من الناس من يشري آلیة نزلت فی علی لیلۃ المبيت علی الفراش؛ داستان خوابیدن علی در رختخواب پیامبر به تواتر اثبات شده است، لذا کسی جز دیوانه یا... منکر آن نیست و تمام مفسران نقل کرده‌اند که آیه "من یشری..." در شان علی بن ابیطالب، در شبی که در رختخواب پیامبر خوابید، نازل شده است." 41

حاکم نیشابوری در کتاب "مستدرک الصحیحین"، داستان لیلۃ المبيت را به نقل از ابن عباس نقل می‌کند و تصریح می‌کند که "هذا حدیث صحیح الاسناد و لم یخرجاه؛ این حدیث معتبری است، هرچند بخاری و مسلم در کتاب خود آن را نیاورده‌اند." 42

10 - آیات برائت

"برآة من الله و رسوله الي الذين عاهدتم من المشركين... ؛ (این، اعلام) بیزاری از سوی خدا و پیامبر او، به کسانی از مشرکان که با آنها عهد بسته‌اید!" 43

مورخان و مفسران و محدثان بسیاری از عامه و تمامی خاصه تصریح نموده‌اند که پیامبر (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) ابتدا وظیفه ابلاغ آیات ابتدایی سوره برائت را به ابوبکر داد، ولی بعداً علی (علیه السلام) را به دنبال او فرستاد تا آیات را از او گرفته و خودش به مکه رفته و آنها را ابلاغ کند. در این باره به نقل احمد بن حنبل در مسند (از کتب معروف حدیثی اهل سنت) اکتفا می‌شود.

شان نزول

احمد حنبل در مسند می‌گوید: پیامبر اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) سوره برائت را با ابوبکر به سوی اهل مکه فرستاد تا اعلام کند که بعد از آن سال، هیچ مشرکی حق حج‌خانه خدا را ندارد و هیچ کس نباید به صورت عریان و برهنه خانه را طواف کند. سپس پیامبر (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) به علی (علیه السلام) فرمود: خود را به ابوبکر (در وسط راه مکه و مدینه) برسان، ابوبکر را به سوی من بازگردان و خود سوره برائت را ابلاغ کن! علی (علیه السلام) چنین کرد. در آخر حدیث هنگامی که ابوبکر سؤال می‌کند: آیا چیزی بر ضد من نازل شده که من نباید سوره را ابلاغ کنم؟ پیامبر می‌فرماید: "امرت ان لا یبلغه الا انا او رجل مني؛ من مامور شده‌ام که این سوره را مگر من یا مردی که از من است ابلاغ نکند." 44

ترمذی در سنن معروف خود (که از منابع اصلی حدیث اهل سنت محسوب می‌شود) همین حدیث را به تعبیر دیگری از "انس بن مالک" نقل می‌کند که پیامبر (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) سوره برائت را با ابوبکر فرستاد، سپس او را خواند و فرمود: "لا ینبغی لاحد ان یرسل هذا الا رجل من اهلی فدعا علیا فاعطاه اياه؛ سزاوار نیست برای

احدي که اين سوره را ابلاغ کند. مگر مردی از خاندانم! سپس علي را فرا خواند و سوره را به او داد. 45"

11 - آیه سقایة الحاج

"اجعلتم سقایة الحاج و عمارة المسجد الحرام کمن آمن بالله والیوم الآخر و جاهد فی سبیل الله لایستوون عند الله و الله لایهدی القوم الظالمین؛ آیا سیراب کردن حجاج و آباد ساختن مسجد الحرام را همانند (عمل) کسی قرار دادید که به خدا و روز قیامت ایمان آورده و در راه او جهاد کرده است؟! (این دو) نزد خدا مساوی نیستند و خداوند گروه ظالمان را هدایت نمی‌کند! 46"

حاکم حسانی یکی از کسانی است که شان نزول این آیه را درباره علي می‌داند. او خود در شواهد التنزیل در ذیل این آیه بیش از ده روایت از طرق مختلف آورده است که این مطلب را به خوبی اثبات می‌نماید.

شان نزول

حاکم در یکی از روایات از انس بن مالک نقل می‌کند که عباس بن عبدالمطلب و شیبہ - کلید دار خانه خدا - بر یکدیگر تفاخر می‌کردند که علي(علیه السلام) فرا رسید؛ عباس عرض کرد: فرزند برادر! توقف کن سخنی با تو دارم! علي(علیه السلام) ایستاد. عباس گفت: شیبہ بر من افتخار می‌کند و گمان می‌کند از من شریفتر و برتر است! علي(علیه السلام) فرمود: ای عمو، تو در جواب او چه گفتی؟ عرض کرد گفتم: من عموي رسول خدايم و وصي پدر او و سیراب کننده حاجیان می‌باشم. من از تو شریفترم! علي(علیه السلام) به شیبہ گفت: تو در برابر او چه گفتی؟ عرض کرد: من گفتم از تو شریفترم، من امین خدا نسبت به خانه او هستم و کلیددار او می‌باشم. چرا تو را امین خود نشمرده، آن گونه که مرا امین شمرده است؟! علي(علیه السلام) فرمود: افتخار من این است که من نخستین کسی از مردان این امتم که به پیامبر خدا(صلی الله علیه وآله و سلم) ایمان آورده و هجرت و جهاد نموده است! سپس هر سه نفر نزد پیامبر آمده و هر کدام سخن خود را گفت: پیامبر(صلی الله علیه وآله و سلم) چیزی نفرمود. بعد از چند روز وحی درباره آنها نازل شد. پیامبر(صلی الله علیه وآله و سلم) به سراغ هر سه فرستاد، خدمتش آمدند و آیه "اجعلتم سقایة الحاج و عمارة المسجد الحرام" و ما بعد آن را بر آنها تلاوت فرمود. 47 همین مضمون با اختلاف اندکی در روایات دیگری آمده است.

12 - آیه و کفی الله المؤمنین القتال

"و رد الله الذین کفروا بغیظهم لم ینالوا خیرا و کفی الله المؤمنین القتال و کان الله قویا عزیزا؛ و خدا کافران را با دلی پر از خشم بازگرداند، بی‌آنکه نتیجه‌ای از کار خود گرفته باشند و خداوند (در این میدان) مؤمنان را از جنگ بی‌نیاز ساخت (و پیروزی را نصیبشان کرد) و خدا قوی و شکست‌ناپذیر است. 48"

بسیاری از محدثین و مفسرین گفته‌اند که: "و کفی الله المؤمنین القتال" اشاره به علي(علیه السلام) و ضربه بسیار مؤثری است که بر پیکر "عمرو بن عبدود" زد و مسلمانان را از جنگ با کفار بی‌نیاز نمود.

حاکم حسانی چندین حدیث به چند طریق نقل کرده است که ما نقل او از "حذیفه" - صحابی بزرگ و معروف - را ذکر می‌کنیم:

شان نزول

حذیفه حدیث مفصلي درباره پیکار علي(علیه السلام) با عمرو بن عبدود و کشتن او نقل کرده است. او می‌گوید، پیامبر(صلی الله علیه وآله و سلم) فرمود: "ابشر يا علي! فلو وزن اليوم عملک بعمل امة محمد(صلی الله علیه و آله و سلم) لرجح عملک بعملهم و ذلک انه لم یبق بیت من بیوت المسلمین الا و قد دخله عز بقتل عمرو؛ بشارت باد بر توای علي! اگر این کار تو را با عمل امت محمد(صلی الله علیه و آله و سلم) مقایسه کنند، عمل تو بر اعمال

آنها برتري خواهد داشت؛ زيرا خانه‌اي از خانه‌هاي مسلمانان نبود، مگر اينکه به خاطر قتل عمرو بن عبدود عزتي در آن وارد شد. 49

13 - آيه صديقون

"والذين آمنوا بالله ورسوله اولئك هم الصديقون والشهداء عند ربهم لهم اجرهم ونورهم والذين كفروا و كذبوا باياتنا اولئك اصحاب الجحيم؛ كساني که به خدا و رسولانش ايمان آوردند، آنها صديقين و شهدا نزد پروردگارشانند، براي آنان است پاداش (اعمال) شان و نور (ايمان) شان و كساني که كافر شدند و آيات ما را تكذيب کردند، آنها دوزخيانند." 50

حاکم در شواهد التنزيل، پنج حديث به طرق مختلف در ذيل اين آيه نقل مي‌کند که به نقل او از "ابن ابي ليلى" اکتفا مي‌شود:

شأن نزول

از ابن ابي ليلى از پدرش: "قال رسول الله: الصديقون ثلاثة حبيب النجار مؤمن آل ياسين و حزيل (حزقيل) مؤمن آل فرعون و علي بن ابي طالب الثالث و هو افضلهم." 51

14 - آيه نور

"يا ايها الذين آمنوا اتقوا الله و آمنوا برسوله يؤتكم كفلين من رحمته و يجعل لكم نورا تمشون به و يغفر لكم والله غفور رحيم؛ اي كساني که ايمان آورديد، تقواي الهي پيشه كنيد و به رسولش ايمان بياوريد تا دو سهم از رحمتش به شما ببخشد و براي شما نوري قرار دهد که با آن (در ميان مردم و در مسير زندگي خود) راه برويد و گناهان شما را ببخشد. و خداوند آمرزنده مهربان است." 52

شأن نزول

شواهد التنزيل از ابن عباس نقل مي‌کند که مراد از جمله "يؤتكم كفلين من رحمته" حسن و حسين(عليهم

السلام) است و منظور از "يجعل لكم نورا تمشون" علي بن ابي طالب(عليه السلام) است. 53

در حديث ديگري در همان كتاب، با سند خود از جابر بن عبدالله از پيامبر نقل کرده که در تفسير "يؤتكم كفلين من رحمته" فرمود: منظور حسن و حسين است و در تفسير "و يجعل لكم نورا..." فرمود: منظور علي بن ابي طالب است. و حاکم در همان كتاب از امام باقر(عليه السلام) در تفسير همين آيه نقل مي‌کند که فرمود: "من تمسک بولاية علي فله نور؛ براي کسي که به ولايت علي بن ابي طالب تمسک جويد، نوري وجود دارد!" 54

15 - آيه انفاق

"الذين ينفقون اموالهم بالليل والنهار سرا و علانية فلهم اجرهم عند ربهم و لا خوف عليهم و لا هم يحزنون؛ آنها که اموال خود را شب و روز، پنهان و آشکار، انفاق کنند، مزدشان نزد پروردگارشان است؛ نه ترسي بر آنهاست و نه غمگين مي‌شوند." 55

بي‌شک مفهوم اين آيه، کلي و جامع است و مفهوم آن تشويق به انفاق در راه خدا در اشکال مختلف است.

آشکارا و پنهان، در شب و روز؛ اين آيه به كساني که انفاق مي‌کنند بشارت عظيمي مي‌دهد، ولي از روايات اسلامي استفاده مي‌شود که مصداق شاخص اين آيه علي(عليه السلام) است.

شأن نزول

از جمله كساني که اين آيه را در شأن علي(عليه السلام) دانسته‌اند سيوطي است. او از ابن عباس نقل مي‌کند که گفت: اين آيه درباره علي بن ابي طالب نازل شده؛ به اين صورت که چهار درهم داشت، درهمي را در شب و درهمي

را در روز، درهمی را پنهانی و درهمی را آشکار انفاق کرد؛ آنگاه این آیه نازل شد. 56
ابن ابی الحدید به هنگام برشمردن صفات والای علی (علیه السلام)، هنگامی که به مساله جود و سخاوت می‌رسد، بعد از اشاره به آیات سوره "هل اتی" می‌گوید:
"روي المفسرون انه لم يملك الا اربعة دراهم، فتصدق بدرهم ليلا و بدرهم نهارا و بدرهم سرا و بدرهم علانية. فانزل فيه الذين ينفقون اموالهم."

مفسران نقل کرده‌اند که علی (علیه السلام) فقط چهار درهم داشت، درهمی را شب و درهمی را در روز، درهمی را پنهانی و درهمی را آشکارا انفاق کرد و خداوند این آیه را درباره او نازل فرمود. 57
از نقل ابن ابی الحدید، این گونه برداشت می‌شود که این مساله در میان مفسران مورد اتفاق یا لاقلاً مشهور است.

16 - آیه محبت

"يا ايها الذين آمنوا من يرتد منكم عن دينه فسوف ياتي الله بقوم يحبهم و يحبونه... ؛ اي کسانی که ایمان آورده‌اید، هر کس از شما از آیین خود بازگردد (به خدا زبانی نمی‌رساند)، خداوند گروهی را می‌آورد که آنها را دوست دارد و آنان (نیز) او را دوست دارند." 58

این آیه بروشنی می‌فرماید که پشت کردن گروهی از تازه مسلمانان به اسلام، لطمه‌ای بر اساس آن وارد نمی‌کند. خداوند به گروهی از اهل ایمان که دارای چند ویژگی هستند، ماموریت دفاع از آیین مقدس را سپرده است؛ کسانی که هم خدا را دوست می‌دارند و هم خدا آنها را دوست می‌دارد. جمع شدن صفات مذکور در آیه، در یک فرد یا بعض افراد یک فضل الهی است که هرکس شایسته آن نیست.
مفهوم این آیه مانند بسیاری از آیات گذشته وسیع و گسترده است، ولی از روایات اسلامی که از طرق شیعه و اهل سنت نقل شده است به خوبی استفاده می‌شود که علی (علیه السلام) برترین و بالاترین مصداق این آیه است.

شان نزول

"فخر رازی" هنگامی که به تفسیر این آیه می‌رسد، اقوالی از مفسران در مورد تطبیق این آیه نقل می‌کند و در پایان بحث می‌گوید: جماعتی گفته‌اند که این آیه درباره علی (علیه السلام) نازل شده است. سپس به دو دلیل برای تقویت این قول استدلال می‌کند: نخست اینکه هنگامی که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در روز خیبر پرچم را به دست علی (علیه السلام) داد، فرمود:

"لادفعن الراية غدا الي رجل يحب الله و رسوله و يحبه الله و رسوله؛ من فردا پرچم را به دست مردی می‌دهم که خدا و رسولش را دوست دارد و خدا و رسول نیز او را دوست دارند." سپس می‌گوید: این همان صفتی است که در آیه بالا به آن اشاره شد.

و دلیل دیگر اینکه بعد از آن آیه، آیه "انما وليكم الله و رسوله" است که در حق علی (علیه السلام) نازل شده است؛ بنابراین سزاوارتر این است که بگوییم آیه ماقبل نیز در حق اوست. 59

17 - آیه مسؤولون

"وقفوهم انهم مسؤولون؛ آنها را نگهدارید که باید بازپرسی شوند." 60

شان نزول

در روایات متعدد وارد شده است که منظور، سؤال از ولایت علی بن ابی‌طالب است. شماری از علمای بزرگ اهل

سنت منظور از سؤال را سؤال از ولایت علی بن ابی طالب دانسته‌اند؛ از جمله آنها حاکم حسکانی است که در "شواهد التنزیل" از ابوسعید خدری به دو طریق نقل می‌کند که پیغمبر اکرم (صلی الله علیه وآله و سلم) در تفسیر این آیه فرمود: "عن ولایة علی بن ابی طالب" منظور سؤال از ولایت علی بن ابی طالب است. او حدیث دیگری از سعید بن جبیر، از ابن عباس نقل می‌کند که پیغمبر اکرم (صلی الله علیه وآله و سلم) فرمود: "إذا کان یوم القیامة اوقف انا و علی علی الصراط فما یمر بنا احد الا سئلناه عن ولایة علی، فمن کانت معه و الا القیناه فی النار و ذلک قوله: "وقفوهم انهم مسؤولون"؛ هنگامی که روز قیامت می‌شود، من و علی بر صراط متوقف می‌شویم؛ هر کس از کنار ما می‌گذرد از ولایت علی از او سؤال می‌کنیم؛ هر کس که دارای این ولایت باشد، [از صراط می‌گذرد] و الا او را در آتش می‌افکنیم و این است معنی آیه "وقفوهم انهم مسؤولون". 61

نکته جالب اینکه "آلوسی" که به عداوت و بغض نسبت به اهل بیت (علیهم السلام) معروف است، و هر آیه‌ای را که درباره فضایل علی (علیه السلام) و اهل بیت (علیهم السلام) باشد به هر صورت ممکن کم رنگ می‌نماید، با نادیده گرفتن منابع اهل سنت می‌گوید: بعضی از امامیه این آیه را در شأن علی بن ابی طالب می‌دانند. او در آخر، از پیش خود ولایت سایر خلفا را نیز اضافه می‌کند! 62

سخن آخر

خیرالختام این مجموعه را حدیثی از رسول خدا که فریقین آن را به طرق مختلف نقل کرده‌اند قرار می‌دهیم. رسول خدا (صلی الله علیه وآله و سلم) آن برترین بنده خدا فرمودند، "علی مع القرآن والقرآن مع علی؛ علی با قرآن است و قرآن با علی است."

شاید در روزگاری که رسول خدا (صلی الله علیه وآله و سلم) این کلام نورانی را فرمودند، کمتر کسی یافت می‌شد که به کنه این کلام نغز بار یابد، ولی امروز فهم و هضم این کلمه نغز، آسانتر و امکان‌پذیرتر گشته است؛ اگر در این کلام بلند، غرض رسول خدا (صلی الله علیه وآله و سلم) صرفاً بیان معیت و همراهی با علی با قرآن بود، این هدف به وسیله بخش نخست حدیث افاده شده بود و نیازی به اضافه کردن بخش دوم نبود؛ آنچه که درک آن، حکمت و دقت می‌طلبد، این است که پیامبر (صلی الله علیه وآله و سلم) در بخش دوم می‌فرماید: "والقرآن مع علی" افاده تأکید در این کلام قطعی و مسلم است، ولی آن نکته باریکتر زمویی، معیت تنها نیست؛ بلکه همدردی علی (علیه السلام) با قرآن است، چرا که علی (علیه السلام)، قرآن مجسم و به تعبیری وجود عینی قرآن است. قرآن و علی یک وجودند، قرآن وجود قطعی و علی (علیه السلام) وجود عینی همان قرآن است. قضاوت در این باره را بر عهده صاحبان فهم و نکته‌دانان و آشنایان با حکمت الهی می‌گذاریم!

پی‌نوشت‌ها:

1. مختصر تاریخ دمشق، ج 18، ص 11

2. نهج البلاغه، صبحی صالح، خطبه 167

3. نهج البلاغه، سید جعفر شهیدی، خطبه 167

4. همان، خطبه 176

5. واقعه، آیه 79

6. در این باره در شواهد التنزیل حدیثی ذکر شده است که بیانگر دلیل عدم ذکر نام علی و ائمه هدی (علیهم السلام) در قرآن است: ابوبصیر نقل می‌کند که از امام باقر (علیه السلام) درباره آیه "اطيعوا الله و اطيعوا الرسول و اولي الامر منكم" سؤال کردم، امام (علیه السلام) فرمودند: درباره علی بن ابیطالب نازل شده است. گفتم: مردم

- می‌گویند که چه مانعی از نام بردن صریح بوده است که خداوند نام علی و اهل بیت او را در قرآن نیاورده است؟ امام باقر (علیه السلام) فرمودند: خداوند پیامبر را در قرآن به نماز امر فرمود، ولی تعداد رکعات را ذکر نکرد و هم چنین مسلمانان را امر به حج کرد، ولی نفرمود که هفت بار به دور خانه کعبه طواف بجا بیاورید؛ برای اینکه پیامبر این امور را برای مردم تفسیر کند. در این باره هم همین طور است؛ بعد از نزول این آیه درباره علی و حسن و حسین (علیه السلام)، پیامبر (صلی الله علیه وآله و سلم) فرمودند: "اوصیکم بکتاب الله و اهل بیتی"؛ شواهد التنزیل، ج 1، ص 148
7. مائده، آیه 67
8. بیش از بیست منبع از منابع معتبر اهل سنت این آیه را در شان علی بن ابیطالب و منصوب شدن او به عنوان خلیفه پیامبر می‌دانند؛ از جمله آنها: حاکم در شواهد التنزیل، سیوطی در الدر المنثور، فخر رازی در تفسیر کبیر و رشید رضا در المنار و... می‌باشند در این باره رجوع شود به الغدیر، ج 1، ص 223 - 214 و لاکون مع الصادقین، تیجانی، ص 51 و 52
9. با تلخیص و برگرفته از پیام قرآن، ج 9، ص 187 - 184
10. مائده، آیه 55
11. الغدیر، علامه امینی، ج 2، ص 53 و 52؛ مع الصادقین، تیجانی، ص 47 - 46
12. الدر المنثور، ج 2، ص 293
13. نساء، آیه 59
14. شواهد التنزیل، ج 1، ص 148. لازم به ذکر است که تفسیر شواهد التنزیل بسیار کاملتر از تفاسیر دیگر، روایات و شان نزولها را ذکر کرده است، و بدین جهت از منابع اصلی در این مجموعه به حساب می‌آید.
15. تفسیر برهان، ج 1، ص 381 تا 387
16. توبه، آیه 119
17. المیزان، ج 9، ص 408 به نقل از در المنثور
18. برای آگاهی بیشتر ر. ک به احقاق الحق، ج 14، ص 274 و 275؛ و الغدیر، ج 2، ص 277
19. شوری، آیه 23
20. احزاب، آیه 33
21. المیزان، ج 16، ص 311
22. فسلوا اهل الذکر، ص 71
23. روح المعانی، ج 22، ص 14 و 15
24. مجمع البیان، ج 7 و 8 ص 559 و شواهد التنزیل، ج 2، ص 56
25. صحیح مسلم، ج 4، ص 1883
26. شواهد التنزیل، ج 2، از ص 11 تا 15 و ص 92 که به طرق مختلف نقل می‌کند.
27. شواهد التنزیل، ج 2، از ص 24 تا 27
28. مجمع البیان، ج 7 و 8 ص 559
29. آل عمران، آیه 61
30. تلخیص از مطالب پیام قرآن، ج 9، ص 242

31. مجمع البيان، ج 1 و 2 ص 452 با اندکي تلخیص
32. صحيح مسلم، ج 4، ص 1871
33. بينه، آيه 7 و 8
34. الدر المنثور، ج 6، ص 379؛ والغدير، ج 2، ص 58
35. شواهد التنزيل، ج 2، ص 357 و صواعق، ص 96
36. نجم، آيه 3 و 4
37. مثنوي معنوي، دفتر ششم، بيت 1602
38. بقره، آيه 207
39. نقل حاکم حسانى از طريق ابوسعید خدرى با اندک اختلافى مانند نقل ثعلبى در تفسير است.
40. لغدير، ج 2، ص 48
41. شرح نهج البلاغه، ابن ابى الحديد، ج 3، ص 270 و الغدير، ج 2، ص 47 و ص 48
42. مستدرک الصحيحين، ج 3، ص 4
43. توبه، آيه 1 به بعد
44. مسند احمد، ج 1، ص 3
45. سنن ترمذى، ج 5، ص 275
46. توبه، آيه 19
47. شواهد التنزيل، ج 1، ص 249
48. احزاب، آيه 25
49. شواهد التنزيل، ج 2، ص 7
50. حديد، آيه 19
51. شواهد التنزيل، ج 2، ص 223
52. حديد، آيه 28
53. شواهد التنزيل، ج 2، ص 227
54. همان، ج 2، ص 228
55. بقره، آيه 274
56. الدر المنثور، ج 1، ص 363
57. شرح نهج البلاغه، ابن ابى الحديد، ج 1، ص 21
58. مائده، آيه 54
59. تفسير كبير، ج 12، ص 20
60. صافات، آيه 24
61. شواهد التنزيل، ج 2، ص 106 و 107
62. روح المعاني، ج 23، ص 74